زاویه

غلبه عوامل «ژئوپلیتیکی» بر غرور و سیاست

نصرت‌الله تاجیک
کارشناس روابط بین‌الملل

امیدها به رسیدن به تفاهم بین ایران و مجموعه ۵+۱ چندی است پس از سفر رییس‌جمهور به نیویورک افزایش یافته است. به نظر می‌رسد دوطرف تصمیم دارند تنه‌ها به یک توافق بد فکر نکنند، بلکه با عزمی راسخ درصدد دستیابی به یک توافق خوب باشند و این امر نیازمند تلاش همه‌جانبه، حرفه‌ای عمل کردن، شفافیت، اعتماد و صداقت در رفتار و گفتار همه اطرافی است که در مذاکرات نقش مستقیم و غیرمستقیم دارند. البته در دنیای واقع‌گرایی سیاست، منافع حاکم است ولی برای وصول به آن باید به حداقل‌هایی از عوامل پنجگانه برشمرده‌شده مسلح شد. اگر چنین شود، من می‌گویم بالاخره غرور و سیاست با هم کنار آمده و به عوامل ژئوپلیتیکی برای پاسخ به نیاز نه‌تنها هر دوطرف بلکه منطقه و جهان به آرامی، خوشنودی و نگاه خوشبینانه به تحولات منطقه تن دادهاند. همین‌جا نیز تاکید کنم با فرض رسیدن به تفاهم جامع، این تازه اول راه است و نباید تفاوت دلشت همه مشکلات بین دوطرف با سرعت حل شود. نقشه‌راه پررپیچ‌وخم و همراه با پستی‌وبلندی‌های زیادی خواهد بود.

در این مقاله من به نبازها اصول و اهداف ایران در رسیدن به توافق مبنایی و جامع نمی‌پردازم ولی قبول دارم اینها آنقدر قوی هستند که بتوانند بر ان عوامل پنجگانه گفته‌شده در فوق تاثیر زیادی بگذارند تا مدل رفتاری جدیدی در به تفاهم‌رسیدن و حفظ منافع ملی ایران از سوی دولت بروز داده شود. اما در میان دوطرف انگیزه‌های داخلی و تاثیر سیاست داخلی بر خارجی وجود دارد ولی در طرف ایران هم به دلیل بافت سیاست و حکومت و ضعف احزاب سیاسی- رقابتی اگر این موارد قوی‌تر نباشد، ضعیف‌تر نیست. حداقل آن بخش از توان قوه‌های داخلی و تحرکات سیاسی اجتماعی (فرهنگی و اقتصادی) جناح مخالف دولت که علاقه‌مند به پیروزی دولت در این صحنه نیست یا در وجود دشت تنش ذاییی در سیاست خارجی دارای اهداف و منافعی هستند یا دارای تحلیلی غیر از دیدگاه دولت در کاهش تنش‌های خارجی هستند نیز میکار نشسته و دسته‌به‌کار شده مانند اصفهانیات یا خواهند شد، مانند دولاییات؛ ممکن است چنین نداشته شود که با کنترل تحرکات داخلی و خارجی چنین جناح‌هایی در ایران از بهمچنین زمینه تحقق نتیجه از فعالیت‌های گروه مذاکره‌کننده درحد کارشکنی جلوگیری می‌شود، ولی از تاثیرات منفی چنین اقداماتی بر مواضع پرفدرت دولت برای کسب منافع حاکمگری خواهد کاست.

در طرف دیگر نیز چین و شوروی در زمینه تفاهم ایران و غرب منافع متضادی دارند و علاقه‌مند هستند ایران دارای شرایطی باشد که در همین راه‌دوگاه شوق باقی بماند و در معادلات منطقه و جهانی برای کسب منافع حداکثری به سمت غرب نمایل پیدا کنند. این دوکشور با توجه به ماهیت انقلابی حکومت و جهت‌گیری‌های داخلی و خارجی حاکمیت چنین اطمینانی را دارند و بنابراین به نظر می‌رسد قصد کارشکنی ندارند از سوی دیگر بر هردو کشور مذکور از جهت داخلی و خارجی شرایطی حاکم است و مشکلات داخلی و خارجی‌شان اجازه نمی‌دهد به‌دنبال گوگتنی و بهیچک از دوطرف ایران و غرب باشند و همین امر شرایط را مساعد و مجهولات معادله را کمتر می‌کند. پس ایران مصمم به رسیدن به یک توافق جامع، در برابر غربی قرار گرفته که یکدست نیست ولی در برابر ایران هم تهاجمی باشی می‌کند و هم سعی می‌کند انسجام خود را حفظ کند و طی هریک از زاویه منافع و اصول اهداف خود در مذاکرات منطقه و تعامل با ایران را دنبال می‌کند. بنابراین نمی‌توان غرب بقایی مانده از فرمول ۵+۱ یعنی اروپا و آمریکا را مطلقا متحد دانست زیرا منافع و اهداف آنها متفاوت است.

آمریکا بیشتر به دلایل داخلی، نزدیکی انتخابات ریاست‌جمهوری و استفاده از چنین تحولات مبنی در ارتباط با ایران در صحنه انتخابات و البته کنترل و مدیریت تحولات منطقه علاقه‌مند است به هرنحوی شده با آبرومندی و عبور از غرور آمریکایی به این تفاهم برسد. اروپا بدلیل اینکه سه‌کشور انگلیس، آلمان و فرانسه دارای اصول سیاست خارجی واحد نیستند و منافع جداگانه اقتصادی و سیاسی در ارتباط با رسیدن به این تفاهم حاصل می‌کند ایران دارند، بیشتر با انگیزه‌های اقتصادی به این مذاکرات نگاه می‌کنند تا جهت سرریع‌تر از رقبای اقتصادی خود پیشی بگیرند یا حداقل عقب نیفتند در میان آلمان دارای رفتاری متعادل و معقول به‌نظر می‌رسد و بیشترین افتوخیز در این رابطه را در مواضع انگلیس شاهد بودهایم. فرانسه بین این‌دو کشور قرار دارد و بسته به جناح‌های داخلی تشکیل‌دهنده دولت و توازن آنها و همچنین تاثیر میزان تلاش‌های رژیم صهیونیستی و اعراب در به‌همزدن توافق ایران و غرب، مواضع مختلف و متغیری داشته که در این اواخر منافع اقتصادی بر این تحرکات سیاسی داخلی و خارجی چربیده است. بنابراین مواضع فرانسه در قبال مذاکرات ایران و غرب در سطح دولت و مواضع انگلیس و آلمان در سطح حاکمیتی با دو بستر متفاوت است. آلمان کمتر متاثر از لابی‌های مخالف ایران و بیشتر متمایل به تعامل درازمدت با ایران است ولی انگلیس بیشتر تحت تاثیر تلاش‌های عناصر محافظ ایران است. در انگلیس هر سه‌حزب هم این کشور تقریبا دارای نظرات تقریبا واحدی در ارتباط با ایران هستند از طرف دیگر، مشکلات دوکشور در تنظیم سیاست خارجی خود و زیادروی‌های که این کشور در سال‌های گذشته نسبت به ایران داشته، کنترل را از دست وزارت خارجه دوکشور خارج کرده است. حتی حزب کارگر نیز نظراتی نسبتا دوحزب دیگر محافظه‌کار و لیبرال‌دموکرات که دولت کنونی را تشکیل می‌دهند، نظرات سخت‌گیرانه‌تر نسبت به ایران دارد و فعالیت‌ها با نظرات اخیر حزب کارگر استوار و انباید تماما حزبی تلقی کرد.

تحت تاثیر همین تقسیم‌بندی، کشورهای اروپایی با آمریکا اختلاف دید در قدرگیری ایران در سطح منطقه دارند. یکطرف (اروپا) حل مسائله و ایجاد آرامش و نه حل تنش‌های بین ایران و غرب را باعث قدرت‌گیری ایران در سطح منطقه می‌داند و سیمی دارد هم دورمحله را در یک بسته دنبال کند. ولی طرف دیگر (آمریکا) معتقد است تا ایران موفق به رفع کلیه تنش‌هایش با غرب نشود، نمی‌تواند فضای تنفسی برای سیاست خارجی خود باز کند و بنابراین به ایجاد اطمینان و آرامش و جلوگیری از گسترش روزافزون بی‌اعتمادی بین دوطرف در قدم‌اول بسنده می‌کند. من به‌عنوان یک ناظر خارجی و بی‌طرف تحولات محافل علمی غرب، این دیدگاه‌دوم را نسبت می‌دانم ولی هم احساس می‌کنم بین محافل اجرایی و علمی و اندیشکده‌های سیاست خارجی کاملا فاصله بیشتری از اهتمال اروپایی وجود دارد که منجربه عدم شفافیت سیاست خارجی آمریکا می‌شود و هم محافل تصمیم‌گیر حزب دموکرات نمی‌توانند با سخت می‌توانند عمل کنند و تا تاثیرات لابی‌های جمهوریتسی و عربی خلاص کنند و تا این اندازه مصلحت ملی شهروندان خود را به این عناصر گره نزنند. این دومقوله باعث شده تا انگوئه که در صفر مقاله گفته شد، تلاش همه‌جانبه حرفه‌ای عمل کردن، شفافیت، اعتماد و صداقت در رفتار و گفتار طرف‌های مقابل ایران، همچنان در هاله‌ای از ابهام باشد.

روسیه و آینده مذاکره هسته‌ای

«مسکو» آدرس غلط می‌دهد

بهرام امیراحمدیان. استاد دانشگاه

بی‌شک، روسیه حضوری قطع، جشمگیر سازنده و البته گاه مشکوک در پرونده هسته‌ای ایران داشته است. از یکسو با ایران در مساله تکنولوژی هسته‌ای همکاری نزدیکی دارد و از سوی دیگر در تمام رای‌گیری‌ها بر سر صدور قطعنامه‌های شورای امنیت علیه تحریم ایران در مساله پرونده هسته‌ای رای منبت می‌دهد. این دوگفتگی، موجب نوعی ابهام در رفتار روسیه در برابر ایران است. البته برخی‌ها دوست دارند چنین وانمود کنند که روسیه به‌سبب علاقه بسیار به ایران، با تطبیق محتوای تند و سخت این قطعنامه‌ها، به آنها رای منبت داده است و شاید به نحوی تمایل دارند آن را ممارده به مطلوب کنند. اگر روسیه جشنین عمل شوروی است، باید گفت که همه ارکان در دست روس‌ها بود و سیاست‌های استعماری سردمداران شوروی علیه ایران، افغانستان و دیگر کشورهای مسلمان و حتی مسلمانان شوروی از سوی ایران روس برنامه‌ریزی می‌شد. تنیز نیز روس‌ها هستند که در کشور کشیرالمله فدراسیون روسیه همه‌کاره و تصمیم‌گیرنده هستند. تاخیر در تکمیل پروژه نیروگاه هسته‌ای بوشهر، زیان‌های جبران‌ناپذیری بر فضای سیاسی و اقتصادی ایران وارد کرد. زمانی که برای تحویل نیروگاه و واردشدن آن به مدار تولید انرژی در نظر گرفته شده بود، برهای بود که ظرفیت این نیروگاه می‌توانست تقریبا یک‌سی‌ام ظرفیت تولید انرژی ایران را تامین کند. اکنون ایران بیش از دوبرابر آن زمان ظرفیت تولید دارد. برخی از نیروگاه‌های حرارتی دردست‌ساخت ایران بیش از دوبرابر ظرفیت انرژی تولید نیروگاه هسته‌ای بوشهر، توان تولید خواهند داشت. شگفت‌تر آنکه اکنون ایران در نظر دارد فرآیندهایی برای ساخت نیروگاه‌های دیگر با روسیه منعقد کند یا در حال مذاکره برای ساخت آنند.

در این سال‌ها، روسیه شریکی غیرقابل‌اعتماد برای شرکای خود بوده است. از این منظر، نباید تاکنی آمد گفته شود درست در برهه‌ای که تزرق‌های روسی به‌رغم خود، تاریخ‌های دقیقی درباره حمله نظامی غرب به ایران می‌دادند و ایران را نسبت به حمله نظامی قریب‌الوقوع آمریکا می‌ترسانند، سامانه دفاع موشکی اس-۳۰۰ را تحویل ندادند و قرارداد تحویل را یکجانبه نقض کردند. اقدام ایران برای ارجاع پرونده به مراجع داوری بین‌المللی آنان را ناخشنود کرد و ایران را به مقابله تهدید کردند. شایبه تمایل و علاقه روسیه به تطویل روند پرونده هسته‌ای ایران نیز وجود دارد. روسیه از این فضا بهره می‌گیرد و تاکنون از دیدن این کمتر راجع به شناخت این فضا و معرفی آن اقدام کردهایم. جا دارد در این زمینه، طرحی برای اسیشیانسی این روابط و سوی مراکز استراتژیک صورت گیرد و تصمیم‌های سیاسی برای تصمیم‌گیران ارایه شود.

یوتین قصد آن دارد که دوباره قدرت شوروی را احیا کند اما اگر حتی دوباره یک جهان دوقطبی به‌وجود بیاید، ظهور روسیه فرقدرت غیرممکن خواهد بود. زیرا قدرت‌های جدیدی به‌صورت کشگر بسا منطقه در حال شکل‌گیری هستند که امکان پدیداآمدن جهان دوقطبی یا تک‌قطبی را غیرممکن می‌کند. پس روسیه در رویای ظهور به‌عنوان قدرتی جهانی در یک جهان چندقطبی است. تنها نشانی روسیه به‌عنوان قدرتی تاثیرگذار در محیط بین‌الملل از نظر حقوقی داشتن کرسی دایم در شورای امنیت سازمان‌ملل و از نظر نظامی، به‌استراتژیک ابجاد «کیدور بین‌المللی ترانزیت شمال- جنوب» می‌تواند به این امر استراتژی بی‌برد، روسیه در دکترین نظامی و برنامه‌های استراتژیک خود در نگاه به جهان، برای ایران اهمیت چندانی قایل نیست و ایران را حتی در چارچوب همسایگان خود نیز مورد ملاحظه قرار نمی‌دهد، بلکه در نگاه به قاره آسیا، آن را هم نه به‌عنوان قدرتی مطرح، بلکه مانند سایر کشورهای دیگر در نظر دارد. اکنون که روسیه از سوی غرب تحریم شده، روسیه هم به گریدور ترانزیت نظری مثبت پیدا کرده و هم می‌خواهد بازارهای خود را بعروی ایران بگشاید جیزی که تاکنون در برابر آن مقاومت می‌کرد. از آغاز فروپاشی شوروی تاکنون، ظرفیتی محدود برای صادرات کالاهای ایران به روسیه وجود داشته که تا حدود ۳۰۰ میلیون دلار بیشتر نبوده است. اکنون سخن از ۱۰ برابرشدن و افزایش ظرفیت‌های موجود است و این شایبه پیش آمده که روسیه با ایران عمدتا بدساخت، می‌توان پرسید که این ظرفیت‌های خالی برای ایران از کجا تامین خواهد شد و در کجا و کدام بازار روسیه، جایگزین خواهد شد؟

روسیه دارای دو لبرار دیگر است که می‌تواند او را از محمصه‌های گرفتارشده رهایی دهد: صنایع هوا-فضا و تسلیحات. اما اوکراین بخشی از این فضا بوده است. بنابراین تحریم روسیه و دورشدن اوکراین از مدار روسیه، زیان‌های سختی بر فضای تکنولوژیکی روسیه وارد کرده است. صنایع نظامی و فضایی اوکراین مکمل روسیه بوده است. در کنار کاهش صدور تسلیحات، ارتش روسیه به بازسازی تکنولوژیکی نیاز دارد که در اثر تحریم دچار آسیب می‌شود. از سوی دیگر کوشش غرب برای رویاروبی نظامی با روسیه و کشیدن این کشور به مسابقه تسلیحاتی معادله را به ضرر روسیه بهم خواهد زد. روسیه حتی پیش از تحریم غرب هم از نظر اقتصادی نمی‌توانست وارد مسابقه تسلیحاتی شود؛ اکنون که بطریق اولی، ضعیف‌تر و ناتوان‌تر خواهد بود. روسیه سعی می‌کند با دستیابی به اندیشه همکاری‌های منطقه‌ای (همچون امنیت دست‌جمعی، اتحادیه گمرکی اوراسیا) و تقویت شاخه‌های (نشان دادن چراغ سبز برای پذیرش ایران به‌عنوان عضو دایم) جایگاه خود را ارتقا دهد و زیان‌های ناشی از تحریم را کاهش دهد. درست در برهه‌ای که زمزم‌های میلیاردهلاری با چین جاری کند چیزی که به‌رغم استراتژیک‌بودن غربی در نهایت روسیه را به پمپ بنزین چین تبدیل خواهد کرد. قدرت توظهور در آسیا و در نزدیکی روسیه، ایران است. البته روسیه تمایلی به قدرت‌گیری ایران ندارد. مسلمانی در داخل روسیه چشم به ایران دوخته‌اند. خاورمیانه در انتظار ظهور قدرتی اسلامی در منطقه است. بنابراین قدرت‌گیری ایران برای استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای، روسیه را در منطقه خاورمیانه منزوی خواهد کرد. روسیه از دوره شوروی تاکنون، فقط یک خط بروزی با ایران دارد: تهران - مسکو با وجود امکان ارتباطی زمینی ایران با روسیه از طریق جمهوری آذربایجان و از اهمیت دافعشان، اما تنها این راه برای ایران بسته است. نیز اما در آن سوی قلمرو اسلام است و ایران که قدمیته برقراری دولتی اسلامی و فراگیر دارد، مورد استقبال مسلمانان قرار خواهد گرفت. حتی روسیه با وجود دایربودن خطوط کشتیرانی ایران و روسیه بین بنادر ایران و روسیه در دریای خزر، امکان برقراری خطوط کشتیرانی مسافری را نداده و نخواهد داد. شوسه سخت صورت وبزای حتی تجاری، ایرانیان را دلسرد می‌کند. روسیه در سیاست‌های اعلامی و اعمالی خود نشان داده است که اجازه نخواهد داد قدرتی همسایگی در جنوب خود به نام ایران شکل بگیرد. روسیه ایران را در زمینه صدور خدمات مهندسی و مصارت‌ارزی رقیب خود می‌داند. ایران در زمینه صادرات اسلحه و صنایع فضایی پیشرفت‌هایی داشته است. روسیه در دوره بحران کاهش قیمت انرژی در دوره ریاست‌جمهوری خاتمی، با افزایش صدور نفت خود و کاهش قیمت آن در بازار جهانی، موجب ضرورزیان بسیاری به صادرکنندگان اوپک از جمله ایران شد. روسیه نخواهد خواست که ایرانی با دارنده بازیابی هسته‌ای و مجهز به صدور تکنولوژی هسته‌ای شکل بگیرد. مذاکرات هسته‌ای انرژی در دست روسیه است تا در کنار دیگر اعضای ۵+۱ به سیاست محدودسازی ظرفیت‌های استراتژیک ایران ادامه دهد. روسیه دوست قابل‌اعتمادی نیست. از این‌رو روسیه برای خودکردن ایران از بازار انرژی اروپا، در مقطع کنونی، آدرس غلط به ایران می‌دهد. بیش از آنچه که ایران به روسیه نیاز داشته باشد، این روسیه است که به ایران نیاز دارد. ایران در زمینه‌های بسیاری می‌تواند از روسیه بی‌نیاز باشد. اکنون زمان جانمازی ایران با روسیه است. بهبود روابط ایران با غرب به زیان روسیه و بدفع ایران است. طبیعی است که ایران قدرتمند، توان حضور در عرصه بین‌الملل را دارا است تا مسوولیت‌های بیشتری به خود محول شود، این امکان در گورحال مساله پرونده هسته‌ای است. که روسیه تمایل چندانی به آن ندارد و همین وضعیت استخوان‌لای‌زخم برای روسیه مناسب‌تر است.

عکس: AP

توافق با ۱+۵؛ سخت اما شدنی

رزمان برای توافق هسته‌ای به شمارش معکوس رسیده است. به ۲۴ نوامبر کمتر از یکماه مانده و مذاکره‌کنندگان هسته‌ای پرفشار در حال مذاکره هستند. مذاکره در قالب‌های مختلف برگزار می‌شود. اغلب مذاکرات در قالب دوجانبه و سه‌جانبه برگزار می‌شود. همه مذاکره‌کنندگان می‌دانند که چه کار سخت و چه روزهای پرفشاری در پیش دارند.

اظهارنظرها حاکی از بقی‌ماندن برخی اختلافات بر سر موارد کلیدی است که می‌تواند توافق هسته‌ای را نافرجام کند. اما هر دوطرف در یکسال گذشته مذاکره نشان دادهاند که قصد ندارند زیر میز بزنند. گستردهای در یکسال گذشته در سطح وزیر، معاون وزیر و کارشناسان برگزار شده است.

نمایندگان ایران و ۵+۱ مذاکرات متعددی با یکدیگر داشته‌اند و برخی از این مذاکرات به شکل دو یا سه‌جانبه برگزار شده است. بدون شک این یکی از مهم‌ترین تفاوت‌های مذاکرات یکسال گذشته با ۱۰ سال مذاکره بر سر پرونده هسته‌ای است. اکنون به‌راحتی تلوری مذاکره دو وزیرخارجه به‌عنوان مسوول سیاست خارجی اتحادیه اروپا در آنها بهره برده‌اند.

در آخرین دو مذاکرات در وین، تنها یک نشست با اعضای ۵+۱ برگزار شد و مابقی زمان را مذاکره سه‌جانبه با آمریکا و یک دور مذاکره دوجانبه با کشورهای اروپایی، روسیه و چین گذشت. اگرچه گفته می‌شود که بیشترین تحریم‌های ایران توسط آمریکا وضع شده و این علت اصلی تعدد مذاکرات دوجانبه با امریکاست اما نباید از نقش دیگر اعضای این مذاکرات غافل شد.

یکسال پیش و در مذاکره ژنو ۳، این فرانسه بود که نقشی منفی ایفا کرد و موجب شد دستیابی به توافق موقت در آن دور مذاکره، شکست بخورد؛ نگرانی‌ای که نباید در دستیابی به توافق نهایی از نظر دور داشت.

نباید نادیده گرفت که هرکدام از کشورهای مذاکره‌کننده از اروپایی‌ها تا روسیه و چین در جریان مذاکره با ایران منافعی دارند که شاید در جریان مذاکره آنها را به سمت نظرات متفاوتی سوق دهد.

در آخرین دو مذاکرات در وین، تنها یک نشست با اعضای ۵+۱ و ۳+EU/E3 ۳ مرکب از سه کشور اروپایی و سه کشور غیراروپایی است، با پنج عضو دایم شورای امنیت و یک عضو غیردایم است. (فرانسه، انگلیس، آلمان، آمریکا، روسیه و چین) در سال‌هایی که ایران تحریم‌های اروپایی را پشت‌سر می‌گذاشت، برخی از آنها منافعی از تحریم ایران به دست آوردهاند (از قبیل روسیه و چین)؛ منافع اقتصادی‌ای که شاید لغو آن خیلی به مذاق آنها خوش نیاید. البته برخی کشورها نیز در این سال‌ها به‌دنبال تحریم‌های ایران از لحاظ اقتصادی متضرر شده‌اند که حالا با دستیابی به توافق نهایی به‌دنبال رفع آن هستند (مثل کشورهای اروپایی).

در مطالب پیش‌رو به نفع و ضرر کشورهایی که با ایران بر سر میز مذاکره نشستهاند، پرداختیم. آمریکا در شرایط انتخاب اعضای کنگره است که نتیجه آن می‌تواند دستیابی به توافق را تسهیل یا غیرممکن کند.

روسیه و چین، هرکدام منافع متفاوتی دارند، همچنین کشورهای اروپایی نیز در این بین، علاوهبر منافع از برخی کشورهای منطقه تاثیر می‌گیرند. همه اینها نشان می‌دهد که دستیابی به توافق دشوار و حساس است. مذاکرات هسته‌ای روزهای سخت و پیچیده‌ای در پیش دارند.

کشورهای اروپایی و آینده مذاکره هسته‌ای

اروپای مشتاق

علی بیگدلی . استاد دانشگاه و کارشناس مسایل بین‌الملل

آمریکا براساس اعلامیه «مونرو» در سال ۱۸۲۳ یک نوع سیاست انزواگرایانه را پیش گرفت، اما دخالت آنها در جنگ‌های جهانی اول و دوم به نفع متفقین، این کشور را به یک قدرت جهانی تبدیل کرد. پس از جنگ‌های دوم، آمریکایی‌ها سه‌استراتژی را در پیش گرفتند. در آن زمان حدود ۲۸درصد از کل سرمایه‌های فعال در اروپا متعلق به سرمایه‌داران آمریکایی بود. از نظر سیاسی آمریکا دو راه را به‌عنوان «بزرگ‌تر دموکراسی» برای کشورهای اروپای غربی مختلف شد و از سوی دیگر «تانو» را به وجود آورد. این سه‌استراتژی به این دلیل چربیده است که روسیه در برابر آن قرار گرفته بود. اتحاد شوروی تظاهر می‌کرد که در برابر آمریکا و کشورهای اروپایی